

دوسن سیزدهم

باغ عشق

۱. دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی
یکی زین چاه ظلمانی بروون شو تا جهان بینی
مقصود از زندان و چاه ظلمانی دنیای مادّی است.
معنی بیت: ای انسان تا کی می خواهی اسیر زرق و برق دنیا بمانی؟ از محدوده‌ی
دنیا خود را نجات بده تا حقایق عالم معنا را دریابی.

این جهان زندان و مازندازیان
حفر کن زندان و خود را وارهان
یکی قیشه بگیرید پی حفره‌ی زندان
چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید
چه مانی بهر مرداری چو زاغان اندرین پستی
قفس بشکن از این زندان یکی برپر بر این بالا
طفل را گوشی گهواره جهانی است فراخ
همه آفاق بر همت مردان قفس است

۱- بیت زیر با کدام بیت پیام مشترک و مشابهی دارد؟

«دلا تاگی در این زندان، فریب این و آن بینی

یکی زین چاه ظلمانی بروون شو تا جهان بینی»

جلوهی آب صاف در گل و خار

۱) چشم بگشا به گلستان و بین

به ر این راه توشهای بردار

۲) پا به راه طلب نه از ره عشق

سر ز ملک جهان گران بینی

۳) بی سر و پا گدای آن جارا

آن چه نادیدنی است آن بینی

۴) چشم دل باز کن که جان بینی

در متن سؤال سنایی می‌گوید: تا کی می‌خواهی اسیر دنیا مادّی باشی از چاه
ظلمانی دنیا بیرون بیا تا حقایق عالم معنا را بینی.

در گزینه‌ی ۴ نیز هاتف می‌گوید: چشم ظاهری را کنار بگذار و با چشم دل حقایق
عالم معنا را بینی.

۴) چشم دل باز کن که جان بینی
آن‌چه نادیدنی است آن بینی

۲. ور امروز اندر این منزل تو را جانی زیان آمد
زهی سرمایه و سودا که فردا زان زیان بینی
اگر در عمر فانی این دنیا [در راه خدا] از جان زیان بینی در آخرت سود بسیاری
[به حاطر آن زیان] خواهی برد.

گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی
زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا
اگر این خیال را داشته باشی که از سود این دنیا بگذری، چه سودها که در آخرت
از این خیالت خواهی برد.

هر چه دهد عاشق از رخت و پخت
عقابت آن جمله بدو می‌رسد

۳. عنان گیر تو گر روزی جمال درد دین باشد
عجب نبود که با ابدال خود را هم عنان بینی

عنان گیر: زمامدار، راهنما ابدال: مردان حق، اوقاد هم عنان: همراه
اگر زیبایی درد دین زمامدار اراده‌ی تو گردد (اگر متدين گردي) جای تعجب
نخواهد بود که با اولیای خدا همراه گردد.

گر به فقر و صدق پیش آیی به راه عاشقان
شمس تبریزی تو را هم صحبت مردان کند

۴. عطا از خلق چون جویی، گر او را مال ده گویی؟
به سوی عیب، چون پویی گر او را غیب دان بینی؟

از بیت دو مفهوم برداشت می‌شود:

- ۱- روزی را باید از خدا خواست نه بندگی خدا (هو الرزاق)
- ۲- خداوند غیب دان است پس آشکارا و نهان باید گناهی کرد.

برات رزق تو بر آسمان نوشته خدای
عیث تو وقوعِ رزق از زمینیان داری

رزقت چو از خزانه‌ی خالق مقدر است
دون همتی بود ز در خلق خواستن
بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزّاق بود

رزّاق: روزی ۵۵